

نشان داد و عمیق شد ادامه داد: این موضوع تا آن جا پیش رفت که انسان ها خود را در دایره ای محدود از اعتماد به خویشاوندان در مقابل می بینند. از منظر دیگر این غیریت سازی در زندگی های خانوادگی نیز ظاهر می شود.

استاد دانشگاه شیراز اظهار کرد: در جامعه شناسی وقتی صحبت از رابطه خویشاوندی می کنیم عملاً خانواده ناتنی نیز جزو یکی از عناصر رابطه خویشاوندی است.

این جامعه شناس با اشاره به این که رابطه یا سببی است مانند پیوند زناشویی بین زن و مرد، یا نسبی است یعنی خونی مانند رابطه والدین و فرزندان، برادران و خواهران یا رابطه قانونی است مانند رابطه ای که به واسطه فرزندخواندگی طبق تنظیمات قانونی شکل می گیرد اظهار کرد: اگر بخواهیم رابطه خانواده ناتنی (پدرخوانده و مادرخوانده) را حد واسطه رابطه خویشاوندی در نظر بگیریم، نباید این اندازه غیریت سازی در آن اتفاق بیفتد.

دکتر میرفریدی در خصوص آن چه باعث غیریت سازی در این حیطه و بیساری مسردم از واژه ناپدری و نامادری می شود با تأکید بر این که نمی توان دلایل قطعی برای این مسئله در نظر گرفت (چرا که ممکن است دلایل متعددی باشد که در این گفتار ننگیند) گفت: اگر بخواهیم زمینه های محتملی که بیشتر نقش آفرینند را معرفی کنیم، باید گفت باورهای سنتی مربوط به غیریت سازی یکی از مهم ترین دلایل است که خویشاوند را افرادی از تبار و خون فرد می دانستند.

وی بیسان کرد: عامل دیگر را می توان تجربه زیسته برخی افراد از مشاهده ناملازمات در زندگی یا ناپدری و نامادری دانست یا مشاهده زندگی کسانی که در این کانون حضور داشته و احتمالاً سرنشوت خوبی نداشتند مانند زندگی نزدیکان و بستگان و دوست و آشنا.

استاد دانشگاه شیراز عامل سومی که بی تأثیر نبوده را باورداشت های عامیانه ای که از شنیده ها و ناشنیده ها شکل گرفته دانست و گفت: منظور از آن همان میانه ها و بزرگ نمایی های است که غیریت سازی را تشدید می کنند. این جامعه شناس ادامه داد: در این شرایط، زندگی هایی که ممکن است در مواردی از آن، تجربه شکست و تجربه ناخوشایند را در خود داشته باشند به همه زندگی های از این جنس تعمیم داده می شود و یک سیاسی ناخوشایند هیولانگونه ای از آن می سازند.

دکتر میرفریدی گفت: مجموع این عوامل نشان می دهد باورهای فرهنگی و نوع نگاه فرهنگی و غیرت واقع نگری برخی از افراد در اظهارنظر پیرامون چنین زندگی هایی توانسته تأثیر گذار باشد و زندگی یا ناپدری و نامادری را ترسناک و ناخوشایند جلوه دهد.

وی بهترین راهکار را کار کردن روی پنداشت، نگرش و ذهنیت افراد دانست و گفت: لازم است به این منظور نمونه های مثبت و موفق معرفی شوند؛ کسانی که در کانون این زندگی ها رشد و نمو کرده اند و توانسته اند به تعالی فردی و اجتماعی دست یابند.

استاد دانشگاه شیراز همچنین بیان کرد: با درون کاوی علت هایی که زندگی یا ناپدری و نامادری را ناخوشایند جلوه می دهد از جمله از منظر روانی، اجتماعی و اقتصادی و شناسایی آن می توان در خصوص بهبود این شیوه تفکر گام برداشت. دکتر میرفریدی تأکید کرد: با دقت بیشتر در شکل گیری زندگی هایی که تحت عنوان ناپدری و نامادری برای فرزندان جلوه می یابد، می توان زندگی های آرامی را ساخت.

وی در این خصوص تشریح کرد: زن و مردی که قبلاً تجربه زندگی مشترک داشته و به دلایلی چون طلاق و فوت همسر قصد تشکیل زندگی جدید و ازدواج مجدد دارند باید سعی کنند تناسب و سازگاری را هم با طرف مقابل و هم روحیه فرزندان که با عنوان فرزند خوانده تلقی می شوند و بالعکس را، ایجاد کنند تا زندگی موفق بسازند.

استاد دانشگاه شیراز و جامعه شناس در پایان با اشاره به این که همه افراد جامعه نیازمند آموزشند گفت: آموزش فقط آموزش سواد نیست، آموزش زندگی و دانایی برای هر فردی در طول حیات لازم است. در این زمینه نیز با آموزش های لازم می توان از اشاعه بیشتر این باورهای تشدید یافته و غیرواقعی که این زندگی ها را هراسناک معرفی کرده، جلوگیری کرد.

نامهربان نیستند و این تنها تصویری فرضی است که از این نسبت فامیلی شایع شده. دیدگاه سنتی جامعه، ناپدری و نامادری را برای کودک دلسوز و مهربان نمی داند و همین طرز فکر است که نه فقط آسیبی جدی به روان کودک می زند بلکه زنان و مردان بسیاری را با وجود داشتن فرزند مجرد ننگه می دارد. تفکر سنتی بر این پایه استوار است که زن باپا و شوهر مادر محبت واقعی والدین را نخواهد داشت خصوصاً اگر خود فرزند داشته باشد تفاوت و تبعیض واضح است اما تعمیم دادن این شیوه فکری به همه ناپدری و نامادری ها دور از انصاف است چرا که تجربه نشان داده بسیاری از این افراد چنان در حق فرزند میساری و پدیری می کنند که گاه کودک در شرایطی سالم و به دور از تنش نسبت به حضور والد واقعی خود بزرگ می شود.

باور به این که همه افراد قبل از ناپدری یا نامادری بودن انسانند و عاطفه و وجدان انسانی مانع برهم خوردن ساختار خانوادگی دیگری می شود بر اعتماد به خوب بودن چنین افرادی موثر است در واقع فردی که وارد زندگی دیگری با وجود داشتن فرزند می شود قصدی جز ساختن یک زندگی آرام و موفق ندارد بنابراین اگر با دید مثبت به این قضیه بنگریم نه فقط زندگی زوج را پایدار خواهیم کرد بلکه فرزند این زندگی نیز روزگاری به سامان خواهد داشت. اما نکته دیگر باور اشتباهی است که برخی اذعان می کنند آوردن فرد دیگری به عنوان زوج مکمل والد، ظلم به بچه است در حالی که اگر منطقی به این ماجرا نگاه کنیم، محرومیت کودک از داشتن یک والد تأثیرات منفی بیشتری روی عواطف و احساسات او گذاشته و در آینده مشکلاتی به بار خواهد آورد.

نکته دیگر جبهه گیری فرزندان نسبت به جانشینی فردی غریبه به جای پدر یا مادرشان در زندگی است. ترس از دست دادن پدر و مادر برای همیشه، آنان را در حالت دفاعی قرار داده و زاریه دید اطرافیان و اظهارنظر آن ها نیز بی تأثیر نیست. در چنین شرایطی است که ناپدری و نامادری بیشتر تحت نظر خواهند بود و گذر از این سربالایی نه فقط سخت بلکه نیازمند صبوری بیشتری است.

طبیعت فرهنگسازی در این خصوص خواهد شد فرزندان طلاق و والد از دست داده بیشتری طعم زندگی آرام و بدون محرومیت از مهر مسادری و پدیری را بچشند و آن ها که صاحب ناپدیری و نامادری اند دیدگاهی مثبت تر به این ماجرا داشته باشند. آموزش، فرهنگ، تحصیلات و شخصیت افراد از معیارهایی است که بر اساس آن خانواده ها می توانند در یک محیط گرم و صمیمی با یکدیگر زندگی کنند. در این صورت دیگر رابطه خوبی و خوشاوندی اولویت و ملاک خوشبختی فرزندان با نامادری و ناپدری نیست.

یک جامعه شناس در گفت و گو با خبرنگار «خبر جنوب» با بیان این که از منظر جامعه شناسی به ویژه جامعه شناسی تاریخی، انسان ها در طول تاریخ برای همبستگی درونی دست به غیریت سازی می زدند افزود: آن ها ضمن حفظ انسجام درونی، دیگران را به عنوان «غیر» ها و «دیگری» بیرون از خود در نظر می گرفتند.

دکتر اصغر میرفریدی ادامه داد: در دوران مدرنیته و تحولات ناشی از آن که انسان ها درگیر زندگی های آمیخته فردی شده اند، کانون ارتباطات به واسطه فناوری ها گسترش ولی ارتباطات صمیمی و گرم و درون گروهی کاهش پیدا کرد و در مقابل این غیریت سازی افزایش یافت.

وی با اشاره به این که با گسترش دامنه بی اعتمادی و کاهش دایره اعتماد به نزدیکان فرد، غیریت سازی به شکلی دیگر خود را

زینب دانشور / هنوز ۵ بهار ندیده، پیکر پاک پدرش در روستای دورافتاده شان به خاک سپرده شد. شهیدی که دلاورانه در جبهه های حق علیه باطل جنگید و در آخر با فدا کردن جان، دینش را به وطن ادا کرد. فاطمه قبل از تجربه دلسوزی های پدرا، یتیم شد و مادرش قبل از رسیدن روزهای طلایی عمر سیاه پوش. در آن روزگار نا به سامان جنگ، به دوش کشیدن فرزند برای مادری بیوه سخت بود و همان روزها جوانمردی به زندگی آن ها وارد شد و سرپرستی فاطمه را به عهده گرفت. هاشم نیامده پدر شد برای کودکی که از پدر یک پلاک و خاطره ای تار و مبهم به یادگار داشت.

فاطمه دوساله آن دوران گفت: در آن روزهای کودکی خوب به خاطر دارم همه فامیل و آشنا، پدرخوانده ام را هیولایی می دانستند که به زودی چهره شمشیرش را رو خواهد کرد و مادرم را از خیانتی که با آن ازدواج به کودکی چون من کرده بود، شمامت می کردند. از دید آن ها مردی که از راه رسیده نمی توانست پدری کند. پوسته ترسی که از شنیدن این حرف ها دورم تنیده شده بود سال ها زمان برد تا شکست. هر روز در انتظار دیدن آن روی ناپدی ام بودم که وعده داده شده بود اما... باورم بر این است اگر خدا دلآورمردی را به نام پدر از من گرفت، سبایه ای بالای سرم گذاشت که دلسوزانه پدری کرد. غم نداشتن پدر با حضور او کم رنگ شد و در هیچ کدام از مراحل زندگی کوه وجودش را از من دریغ نکرد. پدری که همیشه دست نوازشش را بر سرم کشید و جوانی اش را به پای کودکی گذاشت که خون دیگری در رگ هایش می جوشید نه خون خودش.

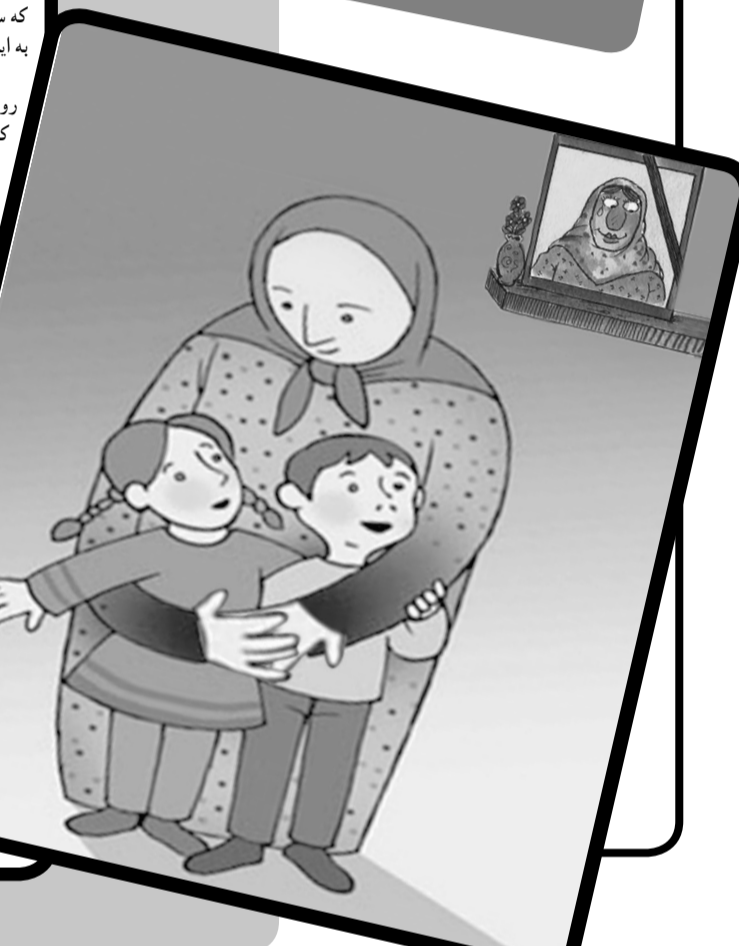
ماجرای ناپدری فاطمه و فاطمه ها مهر باطلی است بر افکار پوچی که دیدگاهی منفی به واژه ناپدری و نامادری دارند. ما در کشوری زندگی می کنیم که فرهنگ غالب آن، زنان و مردانی که سرپرست فرزند دیگری می شوند را نامهربان می داند و دیدگاهی منفی به این نسبت فامیلی دارند.

امروز ۲۶ شهریور و ۱۶ سپتامبر روز پدرخوانده و مادرخوانده است روز آن ها که ناسپاسانه در حقتشان اجحاف شد و با وجود خوبی هایی که کردند باز مهر نامهربانی بر آنان زده شد.

واژه های نامادری و ناپدیری در ذهن اغلب مسردم مفهومی ناخوشایند دارد و با یک تضاد پیش داورانه روبه روست؛ در حالی که مشت نمونه خروار نیست و همه این افراد لزوماً

## امروز روز پدر خوانده ها و مادر خوانده ها است

## شاید بهشت فقط زیر پای مادران نیست



# حذفیات کتب درسی به محیط زیست هم رسید!

وزارت آموزش و پرورش همتی، این کارشناس محیط زیست بیان داشت: سال ها یکی از تقدیهای که وارد می شد این بود که در کتاب های درسی هیچ جایگاهی برای محیط زیست قائل نشده اند و جمله «آهو حیوان زیبایی است و گوشت لذیذی دارد» مهم ترین جمله مرتبط با محیط زیست بود. در چند سال اخیر با تلاش های بسیاری که صورت گرفت موفق شدیم در کتاب های درسی بخش های کوچکی را به محیط زیست اختصاص بدهیم. یوسفی با اشاره به لزوم حمایت سایر نهادها در حوزه محیط زیست افزود: سیاست سازمان حفاظت محیط زیست ارتقای فرهنگ محیط زیستی از طریق شعار «۸۰ میلیون محیط بان» است و در این راه نیازمند این هستیم که فرهنگ مراقبت از محیط زیست از مهدکودک ها آغاز، در مدارس نهادینه و در دانشگاه ها به تکامل برسد به همین خاطر پیگیری چرایی حذف موارد مذکور هستیم.

تخریب پوشش گیاهی جنگل های استوایی و لطمه به زندگی جانوری با مقاصد اقتصادی تحت عنوان عاج های خورین وجود داشت که دومی کاملاً حذف شده است. یک مورد حذف شده دیگر به تصویر ای گرفت و گوی دو نفر مرتبط است که به عنوان مدافع و مخالف قطع درختان با هم حرف می زدند. از حذفیات دیگر هم تصویر اتحادیه بین المللی محیط زیست (IUCN) است که دامنه فعالیتش محیط زیستی و حفاظت از گونه هاست و تعامل خوبی با ایران برای حفظ گونه های در معرض انقراض از قبیل یوزپلنگ و خرس سیاه و فک خزری و ... دارد. دکتر آرش یوسفی رئیس مرکز آموزش محیط زیست و تربیت محیط بان در واکنش به این خبر گفت: متأسفانه این جرح و تعدیل ها بدون هماهنگی با ما صورت گرفته است و در حال مکاتبه و رایزنی با

در حالی که هفته گذشته حذف تصویر دختران از روی جلد کتاب ریاضی سوم دبستان با اعتراض های گسترده ای در فضای مجازی همراه شد که به عذرخواهی وزیر انجامید، بررسی ها نشان می دهد که جرح و تعدیل ها به محیط زیست در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه هفتم و نهم هم کشیده شده است. یکی از تصاویر حذف شده، بازدید دانش آموزان دختر از موزه تاریخ طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست است که مشخص نیست به چه دلیلی آن را حذف کرده و عکس یک ساختمان نیمه کاره را جای آن قرار داده اند. نکته عجیب این است که در عکس حذف شده معلم چادر به سر داشت، دانش آموزان دختر نیز یونیفورم مدرسه پوشیده بودند و حتی هدبند داشتند که مو از مقعته بیرون نیامده باشد. در کتاب پایه نهم هم در بحث زیست بوم ها دو مطلب در مورد



- ۱. در راه باز نگیند**  
هیچ گاه برای ورود به خانه دیگران به «در» دست نزنید. منظور از جمله قبل بدون اجازه وارد شدن است حتی اگر در خانه، باز بود باز هم باید ابتدا زنگ در را بزنید و منتظر دعوت میزبان به داخل خانه باشید.
- ۲. به اتاق خواب نروید**  
اتاق خواب هر خانه ای جزو محل های خصوصی آن خانه است که باید سعی کنید تا حد امکان از ورود به آن خودداری کنید. نباید روی تخت کسی بنشینید یا دراز بکشید.
- ۳. کتوها و کمدها**  
این یکسوی قطعاً نتاجم به حریم خصوصی میزبان است. ممکن است وسوسه شوید که درون کمد یا کتوها چیست اما بدانید که این
- ۴. بدون کفش وارد نشوید**  
بسته به ترجیحات شخصی یا هنجارهای فرهنگی، بسیاری از خانواده ها بدون کفش وارد خانه نشوید. بهتر است اگر نیاز به پرسیدن دارید اول بپرسید و بعد عمل کنید. به یاد داشته باشید که نباید پاهایتان را روی کاناپه یا میز بگذارید.
- ۵. یخچال و کابینت**  
اگر با کسی خیلی هم صمیمی هستید باز هم نباید در یخچال و کابینت های آشپزخانه را باز کنید. نباید در خانه کسی سفارش غذا یا پیشنهاد رفتن به رستوران را بدهید. در واقع باید نظر میزبان را محترم بشمارید. هیچ گاه ظروف را با دستمال پاک نکنید، این کار بی احترامی به میزبان است.
- ۶. پنجره ها، بخاری یا کولر**  
رفتار خارج از حدود و مرزهای شماسست و برای هیچ کس ورود دیگران به حریم شخصی، خوشایند نیست.
- ۷. فضای کار، نامه ها و پول**  
بعد از اتاق خواب، شما نباید به محیط کار کسی وارد شوید. خواه این محیط اتاق کار باشد یا در حدود میز کنتار پذیرایی. از خواندن نامه ها، قبض ها و دست زدن به پول موجود در خانه امتناع کنید. انگار که چیزی نمی بینید.
- ۸. وای فای**  
از پرسیدن رمز وای فای پرهیز کنید. وای فای دیگر امکانات خانه است که اگر میزبان بخواهد در اختیار شما قرار می دهد، ولی اصلاً خویشاوند نیست که درخواست رمز وای فای را بکنید.

## در خانه مردم این کارها را نکنید

